

حادثه‌ها

مرگ قهرمان تکواندو هنگام نجات پسر عمو



باشگاه خبرنگاران:قهرمان مازندرانی سسه دوره مسابقات آسیایی تکواندو به‌علت آشنابودن به فنون شنا پس از نجات پسرعمو، خود در دریا غرق شد.
شاهین ابراهیمی ۲۱ساله ساکن چالوس پس از مشاهده وقوع حادثه برای پسرعمویش به قصد نجات او وارد دریا شد که به‌علت توفانی بودن دریا و آشنابودن به فنون نجات‌غریق، خودش نیز غرق شد.

تایید حکم قصاص قاضی سابق دادگستری به اتهام قتل همسر سوم

شرق:حکم قصاص قاضی سابق دادگستری که به قتل همسر سومش متهم بود، توسط دیوانعالی کشور تایید شد.
این مرد که ساکن شهرستان خوی بود، ۲۳شهریور سال ۸۴ پلیس را در جریان شلیک مرگبار به زن ۱۷ساله‌اش بهنام مریم قرار داد و ادعا کرد همسرش خودکشی کرده است.این در حالی بود که فاش شد شوهر مریم به‌خاطر سوءظن شدید و اختلاف با همسرش هرگاه از خانه خارج می‌شد، در را قفل می‌کرد.
پلیس همچنین در بازرسی از خانه متهم، دوربین‌های مداربسته‌ای را کشف کرد اما تصاویر صحنه مرگ زن جوان به‌طور کامل از حافظه دوربین‌ها پاک شده بود.
درنهایت پرونده با اتهام قتل برای قاضی دادگستری در اختیار قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت.متهم در جلسات محاکمه ضمن رد اتهامش موضوع مرگ همسرش را خودکشی اعلام کرد.متهم در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به قصاص محکوم شد اما قضات دیوانعالی کشور حکم را نقض کردند.

متهم در دومین دور محاکمه تیره شد که این‌بار هم حکم او نقض و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.
در این جلسه قضات پرونده را از موارد لوث تشخیص دادند و از خانواده مقتول خواستند «شفر را برای اجرای مراسم قسامه به دادگاه بیاورند.اولیای دم نیز ۵۰شفر از بستگان مرد خود را به دادگاه آوردند و آنها قسم خوردند مریم از سوی همسرش به قتل رسیده است.
پس از اجرای مراسم قسامه قضات دادگاه کیفری متهم را به قصاص محکوم کردند.بااعتراض متهم پرونده برای رسیدگی نهایی به دیوانعالی کشور فرستاده شد که قضات نعبه ۳۱ دیوانعالی کشور حکم قصاص را تایید کردند.

قاتل فراری مامور انتظامی را به شهادت رساند

باشگاه خبرنگاران:دو مامور نیروی انتظامی در درگیری با قاتل فراری به شهادت رسیدند.فرمانده پاسگاه انتظامی دهستان توانست قاتلی فراری را در کوه‌های علامرو دشت ردیابی کند.سپس ماموران برای دستگیری این فرد خطرناک وارد عمل شدند و توانستند پس از چنددقیقه تعقیب‌وگریز نفسگیر قاتل را به همراه یکی از مهندس‌تانش محاصره کنند ولی متهم زمانی که خود را در محاصره دید با ماموران درگیر شد و فرمانده پاسگاه را به‌همراه یکی از ماموران اطلاعات به شهادت رساند.
در این درگیری قاتل کشته و مهندسش دستگیر شد.

طلاق توافقی ۳ ساعت بعد از عروسی

مهتر:زوج جوانی سه‌ساعت پس از مراسم عروسی تصمیم گرفتند برای طلاق توافقی به دادگاه مراجعه کنند.
تازه‌عروس در جلسه دادگاه با اشاره به مهرش گفت: شش‌ماه قبل با سعید در دانشگاه آشنا شدم.او پسر مودب و مهربانی بود.همیشه پنج‌دقیقه قبل از شروع کلاس‌ها ما دانشگاه می‌آمدیم و باافلاصه پس از کلاس، از دانشگاه بیرون می‌رفت.
پیکر روزی وقتی به سمت خانه می‌رفتم او سد اهرم شد و گفت به من علاقه دارد و می‌خواهد همراه خانواده‌اش برای خواستگاری به خانه ما بیاید.یک‌هفته بعد آنها به خانه‌مان آمدند و ما با ۱۱۴سکه طلا‌به‌عنوان مهر به عقد کردیم.همیشه حس می‌کردم سعید غم بزرگی در سینه دارد و سعی می‌کند من را از من مخفی کند.سعید در یک شرکت بزرگ استخدام شد و با کمک پدرش توانست ماه گذشته مراسم عروسی را برگزار کند.
زن جوان ادامه داد: وقتی به خانه آمدم او از من خواست منطقی به حرف‌هایش گوش کنم.اول تصور کردم در مورد آینده قصد دارد حرف بزند اما او موضوعی را مطرح کرد که هیچ‌وقت انتظارش را نداشتم.سعید هیچ علاقه‌ای به من نداشت و برای ازدواج با دختردایی‌اش مرا قربانی کرده بود.
آن‌شب وقتی متوجه علاقه شدید سعید به دختردایی‌اش شدم، تصمیم به جدایی گرفتم.الان هم مهریه‌ام را می‌بخشم تا به‌صورت توافقی جدا شویم.

مرد جوان هم در دفاع از خود گفت: من عاشق دختردایی خود بودم، اما او مطلقه بود و تنها را من برای ازدواج با او شکست در یک زندگی مشترک بود.
من هم برای این کار مجبور شدم ازدواج کنم.
قاضی شعبه ۲۶۰ مجتمع قضایی شهیدباهر پس از شنیدن صحبت‌های این زوج جلسه دادگاه را تجدید کرد تا آنها درباره تصمیمشان بیشتر گفتند.

شرق: مرد ۳۰ساله‌ای به نام محمود چندی قبل زن همسایه خود را با انگیزه سرقت جواهراتش به قتل رساند.
خبر جنایت این مرد و اعترافات او پیش از این در صفحه حوادث منتشر شده بود.
محمود که مردی متاهل و صاحب یک فرزند است، اکنون در گفت‌وگو با «شرق» جزئیات بیشتری را از این قتل و زندگی‌اش تعریف کرده است که می‌خوانید:

چرا امر تکب قتل شدی؟

خیلی اتفاقی. اصلا تصمیم به قتل نداشتم. فقط می‌خواستم طلاها را بردارم اما خیلی اتفاقی مرتکب قتل شدم.

مگر می‌شود «خیلی اتفاقی» جان انسانی را گرفت؟

من برای برداشتن طلاها وارد خانه همسایه شدم و زمانی که قصد خروج داشتم ناگهان همسر صاحبخانه جلوبیم ظاهر شد.

از صبح روز حادثه تا زمان قتل دقیقا چه اتفاق‌هایی افتاد؟

حدود ساعت هشت‌صبح وقتی داشتم از خانه خارج می‌شدم شوهر آن مرحوم را در پارکینگ دیدم. چون مدت زیادی بود همسایه بودیم از من خواست او را تا جایی برسانم. من او را تا بلوار ابوذر محلاتی بردم ولی چون ظرف غنایم را جا گذاشته بودم به خانه برگشتم تا آن را بردارم. از خانه خودمان که بیرون آمدم، جلوی در آپارتمان آنها متوجه شدم در باز است و از لای در طلاها را دیدم. وقتی آنها را برداشتم و داشتم خارج می‌شدم ناگهان آن مرحوم از در دستشویی که جلوی در خروجی بود بیرون آمد و می‌خواست داد بزند که من دهاش را گرفتم و از او خواستم آرام باشد. برای او توضیح دادم که ماجرا چیست و از او خواستم آرام باشد تا دهاش را رها کنم اما او باز می‌خواست جیب بزند که من دوباره دهاش را گرفتم و مدتی نگذاشتم. بعد از لحظاتی متوجه شدم حالش بد شده به همین دلیل او را به حمام بردم تا کمی آب به صورتش بزنم اما آنجا سر خوردم و آن مرحوم از دستم روی زمین افتاد و وقتی بلند شدم دوباره زمین خوردم که این‌بار از بینی و گوش آن مرحوم خون آمد و من فکر کردم او مرده است.

پس چرا به او چاقو زدی؟

گفتم اگر زنده باشد ممکن است بعدا من را الو بدهد، به همین دلیل به آشپزخانه رفتم و چاقو آوردم و چند ضربه زدم.

آیا او تو را لو می‌داد بهتر بود یا الان که متهم به قتل هستی؟

اشتباه کردم. ترسیده بودم و نمی‌دانستم چه کنم.

بعد از قتل چه کردی؟

طلاها را برداشتم و به خانه خودمان رفتم و یک سیگار کشیدم و بعد بیرون رفتم.
طلاها را چه کردی؟

اول می‌خواستم بفروشم اما پشیمان شدم و به شوهر آن مرحوم پس دادم.

اما پلیس می‌گوید قصد داشتی طلاها را بفروشی.

اول این تصمیم را داشتم و آنها را به یک طلافروش هم دادم اما او که از خرید

حوادث

گفت‌وگو با مردی که زن همسایه را قربانی سرقت کرد

نوسانات بازار از من قاتل ساخت



پسرعمو

منصرف شد من هم منصرف شدم و طلاها را به همسایه پس دادم و گفتم آنها را در

چرا به شد که دستگیر شدی؟

وقتی من طلاها را پس دادم پلیس از ماجرا اطلاع پیدا کرد و وقتی پلیس مرا برای توضیح در مورد ماجرا احضار کرد من تناقض گویی کردم. اول انکار کردم، اما آنها همچنان به من مظنون بودند و من بار داشتش کردند. یک شب در بازداشتگاه خوابیدم و روز بعد که پیش بازپرس رفتم به‌خاطر عذاب وجدانی که داشتم راستش را گفتم.

از کجا می‌دانستی به غیر از مقتول کسی در خانه نیست؟

چون مدتی قبل از آن شوهر مرحوم را خودم با ماشین تا جایی رسانده بودم و از آنجا که مدت‌ها بود با آنها همسایه بودیم شناخت نسبی از آنها داشتم. اولش فکر کردم کسی خانه نیست اما ناگهان در لحظه آخری که قصد خروج از خانه را داشتم آن مرحوم جلوبیم ظاهر شد و آن اتفاق افتاد.

از کجا حدس زدی کسی خانه نیست؟

پنج‌سال بود که با آن زن و شوهرش همسایه بودیم. در خانه‌ها ی ما سخت بسته می‌شد و احتمالا شوهر آن مرحوم زمان خروج برای اینکه در محکم بسته نشود و

سروصدا ایجاد نشود در را آرام روی هم گذاشته و کشیده اما در کامل بسته نشده و به مرور باز شده بود.

با چه انگیزه‌ای تصمیم به سرقت گرفتی؟

مدتی بود که به مشکل مالی خورده بودم.

شغلت چیست؟

در کار ساخت کلینت‌های آدم‌ی‌افه هستم.

چطور شد که به مشکل مالی پر خوریدی؟

مدتی قبل مقداری جنس خریده بودم اما نوسانات بازار باعث شد قیمت جنس‌ها پایین‌تر بیاید. از طرفی کاهش بودجه مردم و رسیدن تاریخ چک‌هایم هم باعث شده بود من شغل دوم انتخاب کنم اما با این وجود نتوانستم چک‌هایم را پاس کنم و همین موضوع باعث این ماجرا شد.

چه چیزهایی خریده بودی؟ چقدر ضرر کردی؟

لاوازم خانه، ماشین لباسشویی و یخچال حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰میلیون تومان ضرر کردم.

ارزش طلاهایی که برداشته بودی چقدر بود؟ می‌خواستی آنها را به چه مبلغی بفروشی؟

شاید ۱۵ تا ۲۰میلیون تومان می‌ارزید اما من قرار بود آنها را ۱۰ میلیون بفروشم.
مگر این مبلغ چقدر از بدهی تو را تامین می‌کرد؟ آیا ارزش آدم‌کشی داشت؟

اشتباه کردم. اصلا قصد قتل نداشتم. گفتم که ترسیده بودم.

سابقه کیفری داری؟

نه من سابقه ندارم. حتی دعوا هم نکردام.

وضع خانواده‌ی‌ات چطور بود؟

خانواده معمولی و به‌دور از تنش. یک خواهر و دو برادر دارم. مادر و پدرم هم از هم جدا نشده‌اند.

چقدر درس خوانده‌ای و وضع مالی‌ات چطور بود؟

فوق‌دیپلم مکتلیک دارم. وضع مالی‌ام هم قبل از این بدهی‌ها خوب بود. خانه مال خودم است و مغازه‌ای در امین‌حضور دارم. ماشین زانتیا داشتم که بعد از بدهی‌ها فروختم و یک ماشین ارزان‌تر خریدم. همه‌چیز روبه‌راه بود.

چطور با ماجرا کنار آمده‌ای؟

کنار نیامدم. هر وقت چشمم را می‌بندم آن مرحوم جلوی چشمم می‌آید. من تا قبل از این ماجرا سالم زندگی کرده بودم.

حالا می‌خواهی چه‌کار کنی؟

قصص می‌شوم. خیالم راحت است که در این دنیا حسابم صاف است اگر هم رضایت بگیرم. نه به آن فکر نمی‌کنم. گاهی فکر می‌کنم اگر همسایه‌مان با عجله سعی نمی‌کرد به من برسد شاید در را درست می‌یست و اصلا این اتفاق نمی‌افتاد. اگر بشود می‌خواهم بعد از قصاص اعضای بدنم را اهدا کنم. نمی‌دانم اصلا می‌شود این کار را یا نه.

شده بود. یکی از متهمان گفت: حامد با خوشحوتی که داشت، می‌توانست بند را کنترل کند. او ما را خیلی اذیت می‌کرد و وقتی برای کنکرتدن کسی می‌رفت دیگر نمی‌شد حریفش شد. حامد دارو استفاده می‌کرد وقتی دارو را می‌خورد حال دیگری پیدا می‌کرد آن روز هم هشت قرص خورده بود و حالت دیوانه‌وار را پیدا کرده بود. دسته تی را گرفت و تا جایی که می‌توانست صبرا را کتک زد. از روی تخت سلبه‌بچه رویش پرید و افتاد و از زد که بی‌حال شد. حتی ما را وادار کرد صبرا را کتک بزنیم البته هر کدام از ما یک سیلی بیشتر به او زدیم آن‌هم چون از حامد می‌ترسیدیم. حامد وضعیتی درست کرده بود که کسی از دستش در امان نبود البته به همین طریق می‌توانست بند متادون را اداره کند. من دیده بودم وقتی از دست کسی عصبانی می‌شود او را کتک می‌زند. یک روز یکی از زندانیان را کتک زد و بعد آبجوش را روی بدنش ریخت و اینطور توانست چاقو را از او بگیرد. او راست می‌گوید که همه چاقوها را جمع کرد اما اینطوری ما را شکنجه می‌کرد. روز حادثه هم بعد از اینکه صبرا را کتک زد که چرا در بند شلوغ کردی، او را روی زمین انداخت. وقتی خواستند بلندش کنند آنهاپی را که به کمکش رفته بودند کتک زد. صبرا سه‌روز روی تختش بود و در این مدت با کسی حرف هم نمی‌زد. بچه‌ها برایش غذا می‌پرند، نمی‌خورد و با کسی حرف نمی‌زد. حتی دنده‌های او را هم حامد شکست.

سپس متهم دیگر در جایگاه حاضر شد. او نیز اتهامش را رد کرد و گفت: من و چندین نفر دیگر از بچه‌هایی که حالا در این پرونده هستند، مبتلا به ایند هستیم و قدرت حرکت زبانی نداریم و حالمان خوب نیست. اگر هم می‌خواستیم، نمی‌توانستیم صبرا را طوری بزنیم که بمیرد. در این هنگام قاضی عزیزمحمدی- رئیس دادگاه- گفت نباید از حامد چون وکیل بند بود و به شما سخت می‌گرفت، انتقام‌گیری کنید. باید واقعیت را بگویید. متهم گفت: من واقعیت را می‌گویم او و معاوضن بسیار خشن رفتار می‌کردند. بعد از اینکه متهمان یک‌به‌یک در جایگاه حاضر شدند و آخرین دفاعیات خود را به مطرح کردند، وکیل حامد نیز دفاعیاتش را خواند و هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.



شرق: سافنر در پی سقوط میان پژو ۲۰۶، سواری پیکان و موتورسیکلت جان خود را از دست دادند. علت این حادثه که در ساعت ۲۱:۳۰ جمعه رخ داد، از سوی کارشناسان سازمان آتش‌نشانی در دست بررسی است.

رخداد

دانشجوی سارق در دانشگاه به دام افتاد

باشگاه خبرنگاران:پسر دانشجویی که لوازم خودروهای همکلاسی‌های خود را سرقت می‌کرد، توسط حراست دانشگاه دستگیر شد.
در پی چندین مورد سرقت لوازم‌خودرو دانشجویان دختر و پسر در دانشگاهی در خیابان شانزدهم کارگر شمالی، انتظامات دانشگاه برای شناسایی متهم عزم خود را جزم کردند.
انتظامات دانشگاه پس از چندروز مراقبت از خودروها توسط دوربین‌های امنیتی سرانجام مشاهده کردند پس از آنکه یکی از دانشجویان خودرواش را پارک کرد و وارد دانشگاه شد، چنددقیقه بعد فرد دیگری وارد خودرو وی شد. کارکنان انتظامات سریع وارد عمل شدند و سارق را بازداشت کردند.
در ادامه ماموران واحد گشت کلاتری پس از حضور در دانشگاه و بررسی اولیه دریافتند سارق مدتی است لوازم داخل خودرو همکلاسی‌های خود را سرقت می‌کند.
رییس کلاتری یوسف‌آباد گفت: متهم ۲۴ساله برای بررسی بیشتر و کشف سایر جرایم به کلاتری انتقال داده شد.

دست باز رسان قلابی شبکه بهداشت رو شد

پلیس خبر: افرادی که تحت‌عنوان بازرس شبکه بهداشت در قم اقدام به کلاهبرداری می‌کردند، توسط پلیس به دام افتادند.
سردار «کاتلم مجتبیای» فرمانده انتظامی استان قم در این‌باره گفت: در پی شکایت مرکز بهداشت قم و یکی از کسبه مبنی بر کلاهبرداری و جعل‌عنوان، این موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: متهمان تحت‌عنوان بازرس شبکه بهداشت به مغازه شیرینی‌فروشی مراجعه و ضمن بازدید با بیان ایرادات بهداشتی، با پیشنهاد مبالغی درخواست رشوه کرده بودند. فرمانده انتظامی قم ادامه داد: شاکي در تحقیقات ماموران اظهار کرد متهمان فرم‌های آرایش تکمیل‌شده را برای امضا ارایه و بدون اجازه مشاهده متن تنظیم‌شده او را وادار به امضای متن کردند. وی گفت: ماموران آگاهی استان با تلاش شبانه‌روزی و انجام اقدامات پلیسی درنهایت متهمی را در این رابطه شناسایی و دستگیر کردند. این مقام انتظامی افزود: در تحقیقات ماموران مشخص شد متهمان با طراحی قبلی، منزل سه طبقه شاکي به ارزش تقریبی دویمیلیاردیال را شناسایی و سپس به‌عنوان بازرس به مغازه‌اش مراجعه و بسا انجام مأمور متقلبانه ضمن اخذی، اقدام به اخذ امضا ذیل صور جلسه‌صوری که متهمان به سرگ قولنامه فروش منزل خود کرده‌اند. سردار «مجتبیای» گفت: در ادامه کارآگاهان سه همدست متهمان اصلی را که هر کدام دارای سوابق متعدد کیفری هستند شناسایی و دستگیر کردند. فرمانده انتظامی استان قم اظهار کرد: متهمان در تحقیقات انجام شده به برهه انتسابی اعتراف کردند و در نهایت با قرار قانونی روانه زندان شدند.

کلاهبرداری از فروشندگان پسته

ایسنا:رییس پلیس آگاهی استان خوزستان از دستگیری اعضای باندد کلاهبرداریی خبر داد که با دسته‌چک‌های جعلی اقدام به خرید لوازم‌میزل و پسته کرده بودند.
سرهنگ حفیظالله خواجهی گفت: در پی وصول پرونده کلاهبرداری، رسیدگی به این موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت و مشخص شد متهم با ارایه مدرک و دسته‌چک جعلی اقدام به کلاهبرداری و خرید تعداد زیادی لوازم‌خانگی از جمله ۶۹ دستگاه کولر، ۱۵ دستگاه یخچال‌فریزر، دو دستگاه تلویزیون و... کرده است. وی با بیان اینکه ارزش ریالی کل کالاهای تحویل داده شده به فرد کلاهبردار ۵۵۰میلیون تومان تخمین زده شده، گفت: با توجه به حساسیت موضوع، شناسایی و دستگیری این فرد در دستور کار قرار گرفت. سرانجام متهم اصلی پرونده شناسایی و دستگیر شد. این فرد در اعترافات خود دوفنر از همدستانش را معرفی کرد.
رییس پلیس آگاهی خوزستان با بیان اینکه همدستان این متهم در ابتدا منکر هر گونه کلاهبرداری شدند، گفت: با انجام تحقیقات این افراد باب به اعتراف گشودند و علاوه بر این کلاهبرداری، به تعداد چهارفقره کلاهبرداری دیگر نیز اعتراف کردند.
خواجهی با بیان اینکه در بررسی‌ها مشخص شد این افراد با ارایه چک‌های جعلی، پنج‌هزارو۵۰۶ کیلوگرم پسته به ارزش یکمیلیارد۹۵۵میلیون‌ریال و لوازم‌خانگی به ارزش ۱۱۴میلیون‌ریال و یک دستگاه گوشی سونی به ارزش ۱۳میلیون و ۲۵۰هزارریال و همچنین اموال مغازه‌ای به ارزش ۲۰۰میلیون‌ریال را مورد کلاهبرداری قرار دادند، گفت: اموال مکشوفه به صاحبان آنان بازگردانده شد و از آنجایی که به نظر می‌رسد اعضای این باند در سایر استان‌ها و شهرستان‌های همجوار اقدام به کلاهبرداری کرده‌اند، رسیدگی به این پرونده ادامه دارد.

بریده اخبار

❖ **قاچاقچی حرفه‌ای موادمخدر پس از تایید حکم اعدامش دیروز در زندان اهواز به‌دار آویخته شد.**

❖ **فردی که با کلت کمری اقدام به زورگیری و سرقت از دختران و پسران جوان می‌کرد توسط پلیس تهران شناسایی و دستگیر شد.**

❖ **آتش‌نشانان تهرانی طی روز جمعه در هر ساعت جان یک شهروند را که گرفتار حادثه شده بودند، نجات دادند.**

❖ **توفان «توامی» زندگی بیش از ۳۶۱هزارنفر را در چین مختل کرده است.**